

در قرون اولی تفکر نما هر هنگام که آفتاب عنایت الهی از افق ظهور طالع شد
ناس بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و نفوسی که پیشوای خلق بودند لم یزل و
لایزال ناس را از توجّه ببحر اعظم منع مینمودند خلیل زمان را بفتوای علمای عصر
بنار انداختند و کلیم را بکذب و افترا نسبت دادند در روح تفکر نما مع آنکه بکمال
رأفت و شفقت ظاهر شد بشأنی بر ضد آن جوهر وجود و مالک غیب و شهود قیام
نمودند که مقرر سکون از برای خود نیافت در هر یوم بشری توجّه فرمود و در محلی
ساکن شد در خاتم انبیاء روح ما سواه فداه نظر نما که بعد از القای کلمه مبارکه توحید
از علمای اصنام و یهود بر آن سلطان وجود چه وارد شد لعمری ینوح القلم و یصیح
الأشیاء بما ورد علیه من الذین نقضوا میثاق الله و عهده و أنکروا برهانه و جادلوا بآياته
کذلک نقصّ لک ما قضی من قبل لتکون من العارفين مظلومیّت انبیا و اصفیا و
اولیای الهی را استماع نمودی تفکر نما که سبب چه بود و علّت چه در هیچ عهد و
عصری انبیاء از شماتت اعداء و ظلم اشقیاء و اعراض علماء که در لباس زهد و تقوی
ظاهر بودند آسودگی نیافتند در لیالی و ایّام ببلائی مبتلا بودند که جز علم حق جلّ
جلاله احصا ننموده و نخواهد نمود حال در این مظلوم ملاحظه کن مع آنکه بآیات
بیّنات ظاهر شده و آنچه در ارض واقع گشته از قبل بکمال تصریح خبر داده و مع
آنکه از اهل علم نبوده و بمدارس نرفته و مباحث ندیده فنون و علوم ربّانیّه بمثابه غیث
هاطل ما بین عباد نازل و جاری شده چگونه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند اکثر

ایّام در دست اعداء مبتلا و در آخر بظلم مبین در این سجن عظیم ساکن انشاء الله
ببصر حدید و قلب منیر در آنچه از قبل و بعد ظاهر شده نظر نمائی و تفکر کنی تا آگاه
شوی بر آنچه الیوم اکثر خلق از آن غافلند انشاء الله از نفحات ایّام الهی محروم نمائی
و از فیوضات نامتناهیة ممنوع نشوی از عنایت حق از بحر اعظم که الیوم باسم مالک
قدم در عالم ظاهر است بیاشامی و بر امر الله مثل جبل ثابت و راسخ و مستقیم مانی
قل سبحانک یا من اعترف الأولیاء بعجزهم عند ظهورات قدرتک و أقرّ الأصفیاء
بفنائهم لدی بروزات أنوار شمس بقائک أسئلك بالإسم الذی به فتح باب السّماء و
انجذب الملاء الأعلى بأن تؤیّدنی علی خدمتک فی ایّامک و توفّقنی علی العمل بما
أمرتنی به فی کتابک ای ربّ أنت تعلم ما عندی و لا أعلم ما عندک إنّک أنت
العلیم الخبیر.